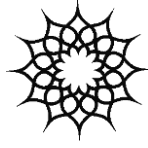


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم و تحقیقات و فناوری  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مدیریت تحصیلات تکمیلی  
پژوهشکده‌ی ادبیات

پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

**نظرسنجی‌های آشکار و پنهان سعدی درباره‌ی خدا، جهان و انسان  
در بوستان و گلستان**

استاد راهنما  
دکتر تقی پورنامداریان

استاد مشاور  
دکتر پارسا یعقوبی

پژوهشگر  
زهرا ابطحی

شهریور ماه ۱۳۸۹



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مدیریت تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

هیأت داوران در جلسه مورخ ۱۳۸۹/۰۷/۱۰

پایان نامه تحصیلی خانم زهرا ابطی دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

تحت عنوان:

نظرگاه‌های آشکار و پنهان سعدی درباره‌ی خدا، انسان و جهان در گلستان و بوستان

را بررسی کردند و پایان نامه با درجه *بسیار خوب* به تصویب نهایی رسید.

۱. استاد راهنمای پایان نامه، آقای دکتر تقی پورنامداریان با مرتبه علمی استاد امضا

۲. استاد مشاور پایان نامه، آقای دکتر پارسا یعقوبی با مرتبه علمی استادیار امضا

۳. استاد داور خارج از گروه، آقای دکتر ابوالقاسم رادفر با مرتبه علمی استاد امضا

امضای رئیس پژوهشگاه

امضا  
۱۰/۰۷/۸۹

امضای مدیر گروه

امضا  
رادفر

امضای نماینده مدیریت تحصیلات تکمیلی

امضا

تقدیم به آنانی که وجودشان  
معنای زندگی است:

**مادر، پدر و برادرانم**

سپاسگزار از الطاف بی‌پایان  
استادان بزرگوارم:

**جناب آقا دکتر پور نامداریان**

**جناب آقای دکتر یعقوبی**

## چکیده

سعدی، یکی از مهم‌ترین ارکان ادب فارسی است که شهرتی جهانی دارد. بوستان و گلستان او را یکی از اثرگذارترین متون بر ارزش‌ها و باورهای مردم ایران دانسته‌اند. بنابراین پی‌بردن به آن بخش از نظرگاه‌های سعدی که در این دو اثر بیان شده‌اند، مهم به نظر می‌رسد. خدا، جهان و انسان اساسی‌ترین محورهای جهت‌دهنده به اندیشه و زندگی هر فرد محسوب می‌شوند. پژوهش موجود، به توصیف دیدگاه‌های سعدی درباره‌ی این سه موضوع، بر اساس متن بوستان و گلستان اختصاص یافته است.

این پژوهش، از پنج فصل تشکیل شده که در فصل اول به کلیات پرداخته شده است.

فصل دوم، به توصیف نظرگاه‌های آشکار و پنهان سعدی درباره‌ی خدا اختصاص داده شده است. خدای آشنای سعدی، همان خدایی است که اسلام معرفی می‌کند. سعدی نیز بر حضور دائمی و محوریت خداوند در تمامی امور تأکید کرده است.

فصل سوم به بیان نظرگاه‌های سعدی درباره‌ی جهان پرداخته و جهان، گذرگاهی برای رسیدن به منزلگاهی ابدی و فرصتی مغتنم برای اندوختن توشه‌ی آخرت معرفی شده است. باوجود آنکه دل‌بستن به جهان امری ناپسند دانسته شده، هرگز به ترک کامل جهان توصیه نشده است.

در فصل چهارم نظرگاه‌های سعدی درباره‌ی انسان مطرح شده است. انسان از نظر سعدی، برترین مخلوق خداوند و آفریده شده از سرشتی پاک است. وظیفه‌ی انسان، عبادت خداوند است و راه عبادت خداوند، جدای از خدمت به دیگر انسان‌ها نیست. تربیت‌پذیری، تأثیر پذیرفتن از همنشینان از ویژگی‌های مهم انسان است که سعدی به آن توجه نشان داده و بر راست‌گویی، نکویی با دیگران و سعی در بر جای گذاشتن نام نیک و نیز بر دوری از حسادت و مردم‌آزاری بسیار تأکید شده است. مرگ، سرنوشت محتوم همه‌ی انسان‌ها است و در قیامت به اعمال آن‌ها رسیدگی خواهد شد و بهشت یا جهنم منزلگاه ابدی آنان خواهد شد. سعدی انسان را برترین مخلوق خداوند و بسیار قابل احترام دانسته و به همین دلیل توجه ویژه‌ای به انسان و مسائل مربوط به او نشان داده است.

فصل پنجم، به بیان نتایج کلی پایان‌نامه اختصاص یافته است. سعدی، جهان را آفریده‌ی خداوند برای خدمت به انسان و مهم‌ترین وظیفه‌ی انسان به جای آوردن سپاس و طاعت خداوند دانسته است.

**کلید واژه‌ها:** سعدی، خدا، جهان، انسان، بوستان، گلستان.

## فهرست مطالب

### پیشگفتار

.....

..... نه

فصل اوّل: کلیّات ..... ۳

۱-۱. کلیّات پژوهش ..... ۳

۱-۲. نام و زندگی‌نامه‌ی سعدی و معرفی بوستان و گلستان ..... ۶

فصل دوم: نظرگاه‌های آشکار و پنهان سعدی درباره‌ی خدا در بوستان و گلستان ..... ۵۵

۱-۲. مقدمه ..... ۷۷

۲-۲. شناخت سعدی از خداوند در بوستان و گلستان ..... ۸۸

۳-۲. اسماء و صفات خداوند در بوستان و گلستان ..... ۱۱

۴-۲. ویژگی‌های مختص خداوند در بوستان و گلستان ..... ۴۳

۵-۲. رزاق بودن خداوند و تعیین اجل موجودات در بوستان و گلستان ..... ۴۶

فصل سوم: نظرگاه‌های آشکار و پنهان سعدی درباره‌ی جهان در بوستان و گلستان ..... ۶۵

۱-۳. مقدمه ..... ۶۷

۲-۳. اسامی و ویژگی‌های جهان در بوستان و گلستان ..... ۷۱

۳-۳. نیروهای مؤثر در جهان و مبحث شرور در بوستان و گلستان ..... ۷۶

۴-۳. اشاره‌ای به طبیعت و حیوانات در بوستان و گلستان ..... ۸۳

فصل چهارم: نظرگاه‌های آشکار و پنهان سعدی درباره‌ی انسان در بوستان و گلستان ..... ۹۵

۱-۴. مقدمه ..... ۹۷

۲-۴. شناخت سعدی از انسان در بوستان و گلستان ..... ۱۰۲

۱-۲-۴. آفرینش انسان و جایگاه وی در نظام خلقت ..... ۱۰۳

۲-۲-۴. وظایف انسان ..... ۴۰۴

۳-۲-۴. ویژگی‌ها و صفات انسان ..... ۱۰۶

۴-۲-۴. سرنوشت انسان ..... ۱۲۳

۳-۴. نگاه به انسان بر اساس جنسیت او در بوستان و گلستان ..... ۱۵۵

۴-۴. نگاه به انسان با توجه به سن و سال او در بوستان و گلستان ..... ۱۳۰

۵-۴. نگاه به انسان به عنوان دوست- معشوق و یا دشمن- مدعی در بوستان و گلستان ..... ۴۳۴

۶-۴. نگاه به انسان با توجه به اعتقادات او در بوستان و گلستان ..... ۴۴۰

۷-۴. نگاه به انسان با توجه به وضعیت اقتصادی او در بوستان و گلستان ..... ۱۵۱

۸-۴. نگاه به انسان با توجه به منصب و شغل او در بوستان و گلستان ..... ۱۸۸

۱۹۲	..... فصل پنجم: نتایج و پیشنهادها
۲۰۱	..... فهرست منابع و مآخذ:



## پیشگفتار

اگر کسی بخواهد درباره‌ی بزرگانی چون مولوی، حافظ و سعدی مطلبی بنویسد، اولین مسأله‌ای که با آن مواجه می‌شود، گستردگی پژوهش‌های انجام شده درباره‌ی این بزرگان است. برای انجام این پایان‌نامه نیز، زمان زیادی به مطالعه‌ی پژوهش‌هایی گذشت که بیشتر آن‌ها به بحث درباره‌ی نام و زندگی‌نامه‌ی سعدی و معرفی آثار او پرداخته بودند.

فصل اول پایان‌نامه، پیرامون همین مباحث و معرفی منابع مرتبط با هر موضوع، برای مطالعه‌ی بیشتر است.

برای تدوین فصل‌های بعدی، مطالعه و یادداشت‌برداری دقیقی از بوستان و گلستان انجام شد که طبقه‌بندی موضوعی این یادداشت‌ها (نتیجه‌ی بررسی بیش از ۱۰۰۰ برگه) با عناوین نظرگاه‌های آشکار و پنهان سعدی درباره‌ی خدا، جهان و انسان در بوستان و گلستان، به ترتیب در فصل‌های دو، سه و چهار پایان‌نامه پس از بیان مقدماتی درباره‌ی خدا، جهان و انسان، آمده است.

در فصل پنجم به جمع‌بندی نهایی این نظرگاه‌ها پرداخته شده و هدف این بوده است که از طریق متن به آنچه که سعدی درباره‌ی خدا، جهان و انسان می‌اندیشیده است، پی‌برده شود.

برای ویرایش پایان‌نامه از این منابع استفاده شده است:

- فرهنگ موضوعی دستور خط فارسی همراه با متن کامل دستور خط فارسی (مصوب فرهنگستان

زبان و ادب فارسی)، به کوشش مرتضی قاسمی، چاپ اول، تهران: سروش، ۱۳۸۷.

- «دستور العمل نگارش و تدوین پایان‌نامه/ رساله»، تهیه و تنظیم: امور پژوهشی مدیریت

تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۷.

لازم به یادآوری است که این منابع در باره‌ی رسم‌الخط شعر فارسی سخنی نگفته‌اند.

و...

سپاسگزارم از استادان بزرگوارم، جناب آقای دکتر پورنامداریان و جناب آقای دکتر یعقوبی که از مرحله‌ی انتخاب موضوع تا به پایان رسیدن این پژوهش همواره از راهنمایی‌های ایشان بهره‌مند بوده‌ام.

و سپاسگزارم از استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر رادفر، ریاست محترم پژوهشکده‌ی ادبیات، که داوری این پژوهش را پذیرفتند و نکاتی بسیار ارزشمند را یادآوری فرمودند.

و سپاسگزارم از تمامی استادان بزرگوار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و نیز دانشگاه کردستان که به هر شکل مطلبی از ایشان آموخته‌ام.

و سپاسگزارم از خانواده‌ام که با همراهی‌ها و همدلی‌های خود، نقشی بسیار مؤثر در انجام این پژوهش داشته‌اند.

و بیش از همه، سپاسگزارم از مهربانی‌های خداوند متعال که پناه و یاریگری بی‌همتا است.

# فصل اوّل:

کلیّات



## کلیات

### ۱-۱. کلیات پژوهش

#### — عنوان پژوهش

نظرگاه‌های آشکار و پنهان سعدی درباره‌ی خدا، جهان و انسان در بوستان و گلستان.

#### — اهمیت و ضرورت پژوهش

سعدی درباره‌ی خدا، جهان و انسان چه دیدگاهی داشته است؟ دلیل اهمیت این موضوع، جایگاه کم‌نظیری است که سعدی در ادبیات فارسی و ادبیات جهان دارد. علاوه بر آن، سه موضوع خدا، جهان و انسان، بنیاد فرهنگ ما را رقم زده‌اند. بنابراین، آگاهی یافتن از دیدگاه‌های سعدی در این موضوعات، به‌نوعی بازخوانی فرهنگ ایرانی و فراهم شدن زمینه‌ی درک بهتر بسیاری از متون ادبی گذشته است.

#### — نوآوری پژوهش

مطرح شدن تفصیلی نظرگاه‌های سعدی درباره‌ی سه مفهوم کلیدی خدا، جهان و انسان هم در بوستان و هم در گلستان که قبل از انجام این پژوهش، چنین امکانی فراهم نشده بود.

#### — کاربرد پژوهش

از این پژوهش، تمامی علاقه‌مندان به حوزه‌ی فرهنگ و ادب (به ویژه دانشجویان) بهره‌مند می‌شوند.

#### — قلمرو پژوهش (زمانی - موضوعی)

موضوعی با محوریت خدا، جهان و انسان، بر اساس دو اثر (کتاب‌های بوستان و گلستان) از سعدی شیرازی که در قرن هفتم هجری می‌زیسته است.

#### — روش انجام پژوهش

کتابخانه‌ای. پژوهش، بر مبنای مطالب کتاب‌های بوستان و گلستان سعدی است.

#### — نوع پژوهش

بنیادی و توصیفی.

#### — تعریف مسأله و سؤال‌های اصلی پژوهش

بوستان و گلستان سعدی، از زمان تألیف توچه مخاطبان بسیاری را به خود جلب کرده‌اند. تقلیدها و ترجمه‌های بسیاری که از این دو اثر انجام پذیرفته است، گواهی بر این مدعا است. بعضی از



پژوهشگران، بوستان و گلستان سعدی را اثرگذارترین متون بر ارزش‌ها و باورهای مردم ایران دانسته‌اند. بنابر این مطرح کردن آنچه که سعدی به شکل مستقیم و غیرمستقیم درباره‌ی خدا، جهان و انسان در بوستان و گلستان بیان کرده است، بسیار مهم به نظر می‌رسد. اگرچه کتاب‌ها و مقالات بسیاری درباره‌ی سعدی نوشته شده است، اما مطلبی به تفصیل درباره‌ی خدا، جهان و انسان در بوستان و گلستان نوشته نشده است. منظور از این پژوهش، پرداختن به همین موضوع است. سؤال‌های اصلی پژوهش عبارتند از:

۱. سعدی خدا را چگونه توصیف می‌کند؟

۲. دیدگاه سعدی نسبت به جهان چیست؟

۳. سعدی درباره‌ی انسان چگونه می‌اندیشد؟

### — فرضیه‌های پژوهش

۱. توصیفاتى که سعدی از خداوند بیان می‌کند، همان توصیفاتى است که اسلام از خداوند بیان کرده است.

۲. سعدی جهان را گذرگاهی برای رسیدن به منزلگاه ابدی انسان‌ها می‌داند. حضور در جهان فرصتی مغتنم برای اندوختن توشه‌ی آخرت است.

۳. انسان از دیدگاه سعدی، برترین مخلوق خداوند و مهم‌ترین وظیفه‌ی او فرمانبرداری از خداوند است.

### — ادبیات و پیشینه‌ی پژوهش

درباره‌ی نام و زندگی‌نامه‌ی سعدی و آثار او، به ویژه گلستان و بوستان، کتاب‌ها و مقالات بسیاری نوشته شده است که در هر یک از این منابع، کم و بیش به نظرگاه‌های سعدی درباره‌ی خدا، جهان و انسان نیز اشاره شده است. برای آگاهی یافتن از پژوهش‌های انجام شده درباره‌ی سعدی و آثار و افکارش، به **فرهنگ سعدی پژوهی (۱۳۰۰-۱۳۷۵)** (شیراز: بنیاد فارس‌شناسی، مرکز سعدی‌شناسی، ۱۳۸۰) تألیف کاووس حسن‌لی، می‌توان مراجعه کرد.

مهم‌ترین منابع مربوط به موضوع این پژوهش عبارتند از:

الف- کتاب:

۱. حدیدی، جواد. ۱۳۷۳. **از سعدی تا آراگون: تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات فرانسه**. چاپ اول. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۲. دانش‌پژوه، منوچهر. ۱۳۸۸. **استاد سخن سعدی (مروری بر زندگی و آثار مصلح‌الدین سعدی شیرازی)**. زیر نظر علیرضا مختارپور. چاپ اول. تهران: همشهری.

۳. دشتی، علی. ۱۳۸۰. **قلمرو سعدی**. زیر نظر مهدی ماحوزی. چاپ دوم. تهران: اساطیر.

۴. زرّین کوب، عبدالحسین. ۱۳۸۶. **حدیث خوش سعدی: درباره‌ی زندگی و اندیشه‌ی سعدی**. چاپ چهارم. تهران: سخن.
۵. کاتوزیان، محمدعلی (همایون). ۱۳۸۵. **سعدی شاعر عشق و زندگی**. چاپ اول. تهران: مرکز.
۶. ماسه، هانری. ۱۳۶۴. **تحقیق درباره‌ی سعدی**. ترجمه‌ی محمد حسن اردبیلی و غلامحسین یوسفی. چاپ اول. تهران: توس.
۷. موحد، ضیاء. ۱۳۷۸. **سعدی**. ویرایش ۳. چاپ سوم. تهران: طرح نو.

**ب- مقاله‌هایی از مجموعه مقالاتی که به شکل کتاب چاپ شده‌اند:**

۱. اقبال، عباس. ۱۳۷۷. «زمانه و اوایل تولّد سعدی». برگرفته از: **سعدی‌شناسی**. به کوشش کوروش کمالی سروستانی. چاپ اول. شیراز: دانشنامه‌ی فارس، دفتر اول، صص ۹-۲۳.
۲. روان‌فرهادی، عبدالغفور. ۱۳۷۷. «سه قرن و نیم سعدی‌شناسی در غرب از روی ترجمه‌های گلستان و بوستان». برگرفته از: **ذکر جمیل سعدی (مجموعه مقالات و اشعار به مناسبت بزرگداشت هشتصدمین سالگرد تولّد شیخ اجل سعدی)**. گردآوری یونسکو. جلد دوم. چاپ پنجم. تهران: وزارت ارشاد اسلامی، صص ۱۷۵-۱۹۶.
۳. قزوینی، محمد. ۱۳۷۷. «ممدوحین شیخ سعدی». برگرفته از: **سعدی‌شناسی**. به کوشش کوروش کمالی سروستانی. دفتر اول. چاپ اول. شیراز: دانشنامه‌ی فارس، صص ۲۵-۹۰.
۴. کتابی، احمد. ۱۳۸۲. «مفهوم تساهل و تسامح در آثار سعدی». با همکاری ژینا چوبه، ثریا نوائیان. برگرفته از: **شناخت مفاهیم سازگار با توسعه در فرهنگ و ادب فارسی (سعدی)**. سرپرست طرح: حمیدتنکابنی. ویراستار: ژاله باختر. چاپ اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی: شورای پژوهش‌های علمی کشور، کمیسیون علوم اجتماعی و تربیتی، صص ۸۹-۱۷۳.
۵. محیط طباطبایی، محمد. ۱۳۷۵. «نکاتی در سرگذشت سعدی». برگرفته از: **مقالاتی درباره‌ی زندگی و شعر سعدی**. منصور رستگار فسایی. چاپ اول. تهران: امیرکبیر، صص ۳۴۷-۳۶۰.

**ج- مقالاتی که در مجلات به چاپ رسیده‌اند:**

۱. شفیعی کدکنی، محمد رضا. «سعدی در سلاسل جوانمردان». **بخارا**. شماره‌ی ۴۶ (آذر و دی ۱۳۸۴): ۹۳-۱۰۳.
۲. فروزانفر، محمد حسن (بدیع الزمان). «سعدی و سهروردی». **تعلیم و تربیت**. سال هفتم، شماره‌ی ۱۱ و ۱۲ (بهمن و اسفند ۱۳۱۶): صص ۶۸۷-۷۰۶.

## — روش انجام پژوهش

این پژوهش، کتابخانه‌ای و بر اساس متن بوستان و گلستان **کلیاتِ سعدی** به تصحیح محمد علی فروغی، به کوشش بهاء‌الدین خرمشاهی (تهران: دوستان، ۱۳۸۶) انجام پذیرفته است. با مطالعه‌ی دقیق این دو متن، مطالب مربوط به موضوعات خدا، جهان و انسان در فصل‌های دو و سه و چهار طبقه‌بندی شده و در فصل پنجم به نتایج به دست آمده پرداخته شده است.

در بیان مطالب بوستان و گلستان، هر جا که بیان توضیحی لازم بوده است، توضیحات از **لغت‌نامه‌ی دهخدا** (۵۰ جلد. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه‌ی لغت‌نامه، ۱۳۶۵) نقل شده است.

در ترجمه‌ی تمامی عبارات عربی متون، از توضیحات **کلیاتِ سعدی** به تصحیح محمد علی فروغی، به کوشش بهاء‌الدین خرمشاهی (تهران: دوستان، ۱۳۸۶) استفاده شده است.

ارجاع‌های هر فصل به شکل پی‌نوشت در پایان آن فصل آمده است. این روش ارجاع، به دلیل وجود ارجاع‌های بسیار و برای پیشگیری از آشفتگی متن و سردرگمی خواننده اتخاذ شده است.

## — توضیح اختصارات:

سرواژه	واژه
ب	باب
ش	شماره‌ی بیت
ح	حکایت
ص	صفحه
ر.ک.	رجوع کنید



## ۲-۱. نام و زندگی‌نامه‌ی سعدی و معرفی بوستان و گلستان

دوران زندگی سعدی را می‌توان بحرانی‌ترین دوران تاریخ ایران دانست که با حمله‌ی مغول به ایران همزمان گشت. «مغولان در سر راه خود از هر سرزمینی که می‌گذشتند همه‌چیز را نابود می‌کردند و رشد طبیعی مردمان این سرزمین‌ها را تا زمانی دراز متوقف می‌ساختند.»<sup>۱</sup> این فاجعه برای ایرانیان نیز روی داد. «استیلای مغول بر ایران با حمله‌ی چنگیز از طرف ترکستان در اوایل قرن هفتم هجری شروع شد و تا اواسط قرن هشتم هجری، که با نام ایلخانان در ایران حکمرانی می‌کردند، ادامه یافت.»<sup>۲</sup>

با نگاهی گذرا به کتاب‌هایی که تاریخ ایران را در قرون هفتم و هشتم هجری مرور می‌کنند، می‌توان به عمق فاجعه‌ای که مغولان بر ایرانیان تحمیل کردند پی‌برد. علاوه بر کشته‌شدن انسان‌های بسیار و ویرانی آبادانی‌ها، میراث معنوی حمله‌ی مغول برای ایرانیان از بین رفتن ارزش‌ها، سلطه‌ی روحیه‌ی قضا و قدری و رواج فراوان تصوف و عرفان بود که این اوضاع بر ادبیات این دوره نیز تأثیر گذاشت.<sup>۳</sup>

«اتابکان فارس نیز دچار استیلای مغول گشتند اما با آن‌ها از در تدبیر و اطاعت درآمدند و خراج‌گزاری مغولان را پذیرفتند و جنوب ایران را بدین طریق حفظ کردند.»<sup>۴</sup>

سعدی در چنین زمانه‌ای، در سرزمین فارس پا به عرصه‌ی حیات نهاد. نام سعدی به صورت‌های مختلف ثبت شده که از همه مشهورتر، مشرف‌الدین مصلح<sup>۵</sup>، ملقب به افصح‌المتکلمین<sup>۶</sup> (شیواترین سخنگویان)<sup>۷</sup> است. تولدش در اواخر قرن ششم هجری یا اوایل قرن هفتم بوده است.<sup>۸</sup> بعضی از محققان به این نتیجه رسیده‌اند که تاریخ ولادت سعدی «مقدم بر حوالی سال ۶۱۰-۶۱۵ و شروع شهرت او پیش از حدود سال ۶۵۰-۶۵۵ نمی‌تواند باشد و اختیار تخلص نامش از سعدبن ابی بکر بن سعدبن زنگی بوده است.»<sup>۹</sup>

اطلاع دقیقی از زندگی و خانواده‌اش نداریم. شاید اگر سعدی به تألیف «زندگی‌نامه‌ای خودنوشت»<sup>۱۰</sup> می‌پرداخت، علاوه بر روشن شدن بسیاری از ابهامات تاریخی زندگی وی، نقد دقیق‌تری از آثارش (به ویژه در حوزه‌ی نقد تاریخی)<sup>۱۱</sup> انجام‌پذیر می‌شد. بیشتر آنچه که به عنوان زندگی‌نامه‌ی سعدی در منابع مختلف آمده، از آثار او و به ویژه از بوستان و گلستان گرفته شده است؛ از جمله اینکه سعدی:

– در میان خانواده‌ای از عالمان دین ولادت یافته است:

«همه قبیله‌ی من عالمان دین بودند  
مرا معلم عشق تو شاعری آموخت»<sup>۱۲</sup>

– پدرش را در کودکی از دست داده است:

«مرا باشد از درد طفلان خبر  
که در طفلی از سر برفتم پدر»<sup>۱۳</sup>

– تا سن جوانی از نعمت مادر بهره‌مند بوده است:

«وقتی به جهل جوانی، بانگ بر مادر زدم. دل‌آزرده به گنجی نشست، و گریان همی گفت: مگر  
خردی فراموش کردی که درشتی می‌کنی؟»<sup>۱۴</sup>

– با دختر یکی از رؤسای حلب ازدواج کرده است، اما از این وصلت به تلخی یاد می‌کند:

«از صحبت یاران دمشق ملالتی پدید آمده بود. سر در بیابان قُدس نهادم، و با حیوانات اُنس گرفتم. تا وقتی که اسیر فرنگ شدم. و در خندق طرابلس، با جهودانم به کار گِل بداشتمند. یکی از رؤسای حلب... بر حالت من رحمت آورد، و به ده دینار از قیدم خلاص کرد. و با خود به حلب برد و دختری که داشت به نکاح من درآورد، به کابین صد دینار. مدتی برآمد بدخوی ستیزه رویِ نافرمان بود. زبان درازی کردن گرفت و عیش مرا منغص داشتن... باری زبان تعنت دراز کرده، همی گفت: تو آن نیستی که پدر من تو را از فرنگ باز خرید؟ گفتم: بلی من آنم که به ده دینار از قید فرنگم باز خرید، و به صد دینار به دست تو گرفتار کرد.»<sup>۱۵</sup>

– در صنعا فرزندی را از دست داده است:

«به صنعا درم طفلی اندر گذشت  
چه گویم کز آنم چه بر سر گذشت»<sup>۱۶</sup>

– تحصیلاتش در نظامیه‌ی بغداد<sup>۱۷</sup> بوده است:

«مرا در نظامیه ادرار بود  
شب و روز تلقین و تکرار بود»<sup>۱۸</sup>

– از محضر ابوالفرج بن جوزی<sup>۱۹</sup> و سهرودی<sup>۲۰</sup> بهره‌مند گشته است:

«چندانکه مرا شیخِ اَجَلِّ، ابوالفرج بن جوزی، رحمه الله علیه، ترکِ سماع فرمودی، و به خلوت و عزلت اشارت کردی، عنفوانِ شبابم غالب آمدی، و هوا و هوس طالب؛ ناچار به خلافِ رایِ مرَبِّی قدمی برافتمی، و از سماع و مجالستِ حظِّی برگرفتمی، و چون نصیحتِ شیخم یاد آمدی گفتمی: قاضی ار با ما نشیند برفشاند دست را  
محتسبِ گرَمی خورد معذور دارد مست را  
تا شبی به مجمع قومی برسیدم که در میان مطربی دیدم... گاهی انگشت حریفان از او در گوش، و گاهی بر لب که خاموش... فی الجمله پاسِ خاطرِ یاران را موافقت کردم، و شبی به چند مجاهده به روز آوردم... بامدادان به حکمِ تبرکِ دستاری از سر، و دیناری از کمر، بگشادم و پیش معنی نهادم، و در کنارش گرفتم، و بسی شکر گفتم... به‌علت آنکه شیخِ اَجَلِّم بارها به ترکِ سماع فرموده است، و موعظه‌ی بلیغ گفته و در سمع قبول من نیامده، امشبم طالعِ میمون و بختِ همایون بدین بقعه رهبری کرد تا به دست این توبه کردم که بقیت زندگانی گِردِ سماع و مخالطت نگردم.»<sup>۲۱</sup>

«مقاماتِ مردان به‌مردی شنو  
نه از سعدی، از سهروردی شنو

مرا شیخِ دانایِ مرشد شهاب  
دو اندرز فرمود بر روی آب

یکی آنکه در جمع، بدین مباح  
دوم آنکه در نفس، خودبین مباح»<sup>۲۲</sup>

– و از امام محمد غزالی<sup>۲۳</sup> با نام «امام مرشد» یاد می‌کند:

«امام مرشد، محمد غزالی را، رحمه الله علیه، پرسیدند چگونه رسیدی بدین منزلت در علوم؟ گفت:

بدانکه هرچه ندانستم از پرسیدن آن ننگ نداشتم.»<sup>۲۴</sup>

بعد از تحصیل در نظامیه‌ی بغداد<sup>۲۵</sup>، به سیر و سفر می‌پردازد. برخی معتقدند که سعدی به هیچ سفری نرفته است<sup>۲۶</sup> و در مقابل نظراتی در تأیید همه‌ی سفرهای سعدی بیان شده است.<sup>۲۷</sup> در مجموع، برداشت **یان ریپکا\*** پذیرفتنی به نظر می‌رسد که:

«سعدی سفرهایی داشته است، اما در نقل تجربیات این سفرها، سخنان سرگرم‌کننده و آموزنده‌ای نیز از خود به آن‌ها افزوده است. سفرش به مکه، سوریه و مصر قطعی است، اما مسافرت او را به هند و کاشغر نمی‌توان پذیرفت.»<sup>۲۸</sup>

بعد از این سیر و سفرها است که سعدی دوباره به شیراز باز می‌گردد و به سرودن بوستان و تصنیف گلستان می‌پردازد:

«در اقصای گیتی بگشتم بسی	به سر بردم ایام با هر کسی
تمتع به هر گوشه‌ای یافتم	ز هر خرمنی خوشه‌ای یافتم
چو پاکان شیراز، خاکی نهاد	ندیدم که رحمت بر این خاک باد
تولای مردان این پاک بوم	برانگیختم خاطر از شام و روم» <sup>۲۹</sup>

البته باید توجه داشت که گلستان و بوستان دو اثر ادبی هستند و نمی‌توان از مطالب بیان شده در آن‌ها، دقت و صحت مطالب کتاب‌های علمی و تاریخی را انتظار داشت؛ مگر در تاریخ‌های معدودی مانند تاریخ اتمام گلستان که سعدی در پایان دیباچه‌ی این کتاب، آن‌را چنین ثبت می‌کند:

«در این مدت که ما را وقت خوش بود	ز هجرت ششصد و پنجاه و شش بود» <sup>۳۰</sup>
و نیز تاریخ به پایان رسیدن سرودن بوستان:	
«ز ششصد فزون بود پنجاه و پنج	که پُر شد این نامبردار گنج» <sup>۳۱</sup>

سعدی هنرمند توانایی است و در نظم و نثر بیش از ۲۲ رساله دارد. علی‌بن احمد بن ابی‌بکر بیستون، در سال ۷۲۶ هجری قمری، برای نخستین بار کلیاتی از آثار سعدی - بر اساس خط و کتابت خود شیخ اجل - فراهم آورده است.<sup>۳۲</sup> سعدی را در نثرش شاعر، و در شعرش اشعر خوانده‌اند.<sup>۳۳</sup> «سهل ممتنع»<sup>۳۴</sup>، بهترین عبارت برای بیان سبک ویژه‌ی سعدی در نظم و نثر است.<sup>۳۵</sup>

سعدی را با چنین توصیفات یاد کرده‌اند:<sup>۳۶</sup> انسان‌گراترین شاعر<sup>۳۷</sup>، استاد مسلم سخن<sup>۳۸</sup>، سخنگوی ضمیر آگاه ایرانی<sup>۳۹</sup>، شادترین شاعر ایران، جامع‌ترین فرد ایرانی که کل مسائل بشری را به زبان بسیار ساده مطرح کرده و کسی که فشرده‌ی تاریخ و فرهنگ ایران در آثار او جای گرفته است<sup>۴۰</sup>، کم‌نظیر در ارج نهادن به تساهل و تسامح<sup>۴۱</sup>، دارای اندیشه‌های انسان‌دوستانه‌ی عاشقانه و جمال‌پرستانه و خوش‌بین نسبت به خدا، انسان و جهان<sup>۴۲</sup>، مردم‌شناس<sup>۴۳</sup>، متفقدترین مربی و معلم اخلاق عملی در ایران و در میان همه‌ی فارسی‌زبانان<sup>۴۴</sup>، عمل‌گرا (به معنای کسی که به ارزش آموزه‌ها بر حسب کارایی آن‌ها معتقد

\* Jan Ripka

است<sup>۴۵</sup>)، دارای روحیه‌ای مثبت و زندگی‌گرا و نه منفی و مرگ‌گرا<sup>۴۶</sup>، شاعر خدای تعالی<sup>۴۷</sup>، عارف<sup>۴۸</sup>، اهل دین و عرفان (دیانت سعدی، دیانتی است که به کار زندگی دنیوی بشر می‌آید<sup>۴۹</sup> و عرفان سعدی عملی است یعنی آنچه که برای زندگی دنیوی بشر کاربرد دارد<sup>۵۰</sup>)، دارای ترکیبی فکری از شرع و عرفان و زیبایی و اغتنام فرصت<sup>۵۱</sup>، غیرقابل گنجاندن در چهارچوب فکری و اجتماعی خاص<sup>۵۲</sup>، واقع‌بین (یعنی در اندیشیدن به آرمان، امکانات عینی را به‌شمار می‌آورد<sup>۵۳</sup>)، جوانمرد<sup>۵۴</sup>، شاعر انسانیت و مردمی<sup>۵۵</sup> و:

«شیخی اهل اعتدال و خیر و صلاح که در جاده‌ی مستقیم و بی‌خطر شریعت گام برمی‌دارد و از لذت‌های حلال و مشروع بهره می‌گیرد و تربیت و آموزش اخلاقی مردم را از طریق پند و اندرز توأم با لطف شعر و سخن‌وری، وظیفه‌ی شرعی و انسانی و اجتماعی خود می‌داند. اشاره‌ی گه‌گاه به مفاهیم عرفانی در آثار او بیش از آنکه ناشی از تأملات ژرف روحی و باطنی باشد، تعلق به جنبه‌های اخلاقی و تهذیب و تزکیه‌ی نفس در حدّ نفیِ رذایل و کسبِ فضائل اخلاقی دارد.»<sup>۵۶</sup>

و در بررسی دیدگاه خاصّ سعدی نسبت به زن<sup>۵۷</sup> می‌توان گفت که وی در بیشتر قضاوت‌هایش تحت تأثیر نظام مردسالار حاکم بر جامعه‌ی زمان خود<sup>۵۸</sup> بوده است:

«فرهنگ اجتماعی غالب در طول قرن‌هایی که با حکومت‌های ایرانی بعد از تسلط اعراب آغاز شد و بعد با حکومت ترکان تا قرن‌ها ادامه یافت، حضور زنان را در فعالیت‌های اجتماعی بیرون از خانه رخصت نمی‌داد. پوشیدگی و عدم حضور زنان در مجامع و محدودیت ارتباط‌های اجتماعی آنان در بیرون از خانه سبب می‌شد که شاعران زیبایی انسان را بیرون از روابط خانوادگی، در چهره‌ی غلامان و کنیزان درباری و در مجالس بزم امیران و شاهان مشاهده کنند.»<sup>۵۹</sup>

تناقض‌گویی و مدیحه‌سرایی نیز از ویژگی‌هایی هستند که برای سعدی برمی‌شمارند. درباره‌ی تناقض‌گویی ضمن پرداختن به گلستان بحث خواهد شد؛ اما در ارتباط با مدح که به عنوان یکی از تاریکی‌های شعر فارسی محسوب می‌شود، سعدی به دلیل شهامتش در بیان حق، دوری از سخنان تملق‌آمیز و داشتن اعتماد به نفس از دیگر ستاینده‌گان صاحبان زر و زور متمایز می‌شود.<sup>۶۰</sup> از سوی دیگر باید توجه داشت که ممدوحین سعدی<sup>۶۱</sup>، کسانی چون اتابک مظفرالدین ابوبکر بن سعد بن زنگی و پسرش سعد و برادران جوینی هستند که خود انسان‌هایی نیکوکار و شایسته‌ی مدح بوده‌اند.<sup>۶۲</sup> سعدی نه تنها در مدح اغراق و مضمون‌سازی‌های متقدمین را به کار نبرده است، بلکه به پند و اندرز دادن به ممدوح نیز می‌پردازد. «مدح در اشعار سعدی، ستایش نیک و خدمت به جامعه و مردم است»<sup>۶۳</sup>. ابیاتی که در مدح ابوبکر بن سعد بن زنگی در ابتدای بوستان آمده است، به خوبی بیانگر دیدگاه سعدی نسبت به مدح است:

«مرا طبع از این نوع خواهان نبود	سرِ مدحتِ پادشاهان نبود
ولی نظم کردم به نام فلان	مگر باز گویند صاحب‌دلان
که سعدی که گویِ بلاغت ربود	در ایام ابوبکر بن سعد بود...

هم از بختِ فرخنده فرجامِ توست	که تاریخِ سعدی در ایامِ توست
که تا بر فلکِ ماه و خورشید هست	در این دفترت ذکرِ جاوید هست
فروماندم از شکرِ چندین کرم	همان به که دستِ دُعا، گسترم
جهانت به کام و فلکِ یار باد	جهان آفرینت نگهدار باد
غم از گردشِ روزگارت مباد	وز اندیشه بر دل غبارت مباد
که بر خاطرِ پادشاهان غمی	پریشان کند خاطرِ عالمی
دل و کشورت جمع و معمور باد	ز مُلکتِ پراکندگی دور باد
تنت باد پیوسته چون دین، دُرُست	بداندیش را دل چو تدبیر، سُست
درونت به تأییدِ حقِ شاد باد	دل و دین و اقلیمت آباد باد
جهان آفرین بر تو رحمت کناد	دگر هر چه گویم فسانه‌ست و باد
همینت بس از کردگارِ مجید	که توفیقِ خیرت بود بر مزید» <sup>۶۴</sup>

سعدی، سنی شافعی مذهب و پیرو مکتب کلامی اشعری<sup>۶۵</sup> بوده و بیش از هر شاعر فارسی‌زبان دیگری در زمان خود شهرت یافته است.<sup>۶۶</sup> عمرش را طولانی - از نود تا یکصد و بیست سال<sup>۶۷</sup> - دانسته‌اند. «امر محقق اینکه او در یکی از سنوات ۶۹۰ یا ۶۹۱ یا ۶۹۴ فوت کرده است»<sup>۶۸</sup>؛ اگرچه «مرگ واقعی او زمانی خواهد بود که نامش از سر زبان‌ها بیفتد و نشان او از خاطرها محو شود»<sup>۶۹</sup> و سعدی چنانکه خود سروده است، همیشه زنده خواهد ماند:

«هر کس به زمان خویشان بود  
من سعدی آخرالزمانم»<sup>۷۰</sup>

از میان آثار سعدی، غزلیات، گلستان و بوستان از مقبولیت ویژه‌ای برخوردار هستند. سعدی در میان غزل‌سرایان جایگاهی بی‌همتا دارد<sup>۷۱</sup> که پرداختن به این موضوع خارج از بحث این پژوهش است. درباره‌ی بوستان و گلستان باید گفت که بسیاری این متون را نقش آفرین‌ترین و اثرگذارترین متون در ادب فارسی بر ارزش‌ها و باورهای مردم ایران می‌دانند<sup>۷۲</sup> و شرح‌ها، تقلیدها و ترجمه‌های بسیاری از این دو اثر نگاشته شده است.<sup>۷۳</sup>

گلستان و بوستان، هر دو موشح به نام اتابک مظفرالدین ابوبکر بن سعد بن زنگی هستند.<sup>۷۴</sup> بوستان یا سعدی‌نامه<sup>۷۵</sup>، اثری منظوم (حدود چهار هزار و پانزده بیت)، در قالب مثنوی<sup>۷۶</sup> و در بحرِ مقارب<sup>۷۷</sup> است. در جمله‌بندی این ابیات، همانند دیگر اشعار سعدی، کمترین تغییرات در جمله‌بندی زبان فارسی دیده می‌شود.<sup>۷۸</sup> بوستان، از ده باب تشکیل شده است. بعد از ستایش خداوند، باب‌هایی با موضوع عدل و تدبیر و رای، احسان، عشق و مستی و شور، تواضع، رضا، قناعت، عالم تربیت، شکر بر عافیت، توبه و راه صواب مطرح شده و در پایان، باب دهم قرار دارد که موضوع آن، مناجات و ختم کتاب است. باب

دهم را، «سوغندنامه‌ی سعدی»<sup>۷۹</sup> هم نامیده‌اند. «لحن سعدی در بوستان آرام، پدرا نه و مهربان، مطمئن و صریح و خالی از تمنا و التماس و ضعف است.»<sup>۸۰</sup>

بوستان را به دلیل پختگی بیان و نیز مطالب و مندرجات آن «شاهکارِ سعدی»<sup>۸۱</sup> نامیده‌اند. این اثر، «کتابی است جامع فقه و تعالیم قرآنی و اخلاق و جامعه‌شناسی و طب درونی و برونی»<sup>۸۲</sup> و آن را عرفان‌نامه‌ی سعدی<sup>۸۳</sup> و عالم‌مطلوب<sup>۸۴</sup> نیز خوانده‌اند. بوستان را تئوریک گلستان،<sup>۸۵</sup> نمایانگر اوج پختگی و شاعری سراینده و مبلغ فضیلت‌های روحی و اجتماعی<sup>۸۶</sup> و دربردارنده‌ی دیدگاه اصلی زیبایی‌شناسی سعدی، که با جهان‌بینی وی نیز سازگار است و نمایانگر خودِ واقعیِ سعدی دانسته‌اند<sup>۸۷</sup> و گفته‌اند:

«پسندها و آرزوهای سعدی در بوستان بیش از دیگر آثار او جلوه‌گر است. به عبارت دیگر سعدی مدینه‌ی فاضله‌ای را که می‌جسته در بوستان تصویر کرده است. در این کتاب پُرمغز از دنیای واقعی - که آکنده است از زشتی و زیبایی، تاریکی و روشنی، و بیشتر اسیر تباهی و شقاوت - کمتر سخن می‌رود بلکه جهان بوستان همه نیکی است و پاکی و دادگری و انسانیت؛ یعنی عالم، چنانکه باید باشد.»<sup>۸۸</sup>

گلستان سعدی، شامل یک دیباچه و هشت باب است. پس از دیباچه، باب‌هایی با موضوع سیرت پادشاهان، اخلاق درویشان، فضیلتِ قناعت، فوائد خاموشی، عشق و جوانی، ضعف و پیری، تأثیر تربیت و آداب صحبت آمده است. می‌توان گفت که ابواب «در فضیلتِ قناعت» و «در عشق و جوانی» و «در تأثیر تربیت» آمده در گلستان، متمم ابواب «در قناعت» و «در عشق و مستی و شور» و «در عالم تربیت» آمده در بوستان است.<sup>۸۹</sup>

در مجموع حدود دویست و هشتاد و چهار حکایت و کلمه‌ی قصار در هشت باب گلستان آمده است و گاه حکایت آمده در یک باب با عنوان آن باب متناسب به نظر نمی‌رسد.<sup>۹۰</sup>

نثر گلستان «مسجّع مرسل»<sup>۹۱</sup> است. ویژگی‌های نثر سعدی عبارتند از:

«اول، ترتیب و تناسب و تنوع؛ دوم، رجحان ضروری بر غیر ضروری؛ سوم، مراعات حال خواننده؛ چهارم، رعایت مناسبات نثر و نظم که هیچ‌یک دیگری را نپوشاند؛ پنجم، رعایت آهنگ کلمات؛ هفتم، رعایت الفاظ از حیث فصاحت و بلاغت؛ هشتم، رعایت نزاکت و ادب.»<sup>۹۲</sup>

هنر سعدی را بیرون آمدنش از سنگلاخ تکلف و تصنع زمان خود دانسته‌اند. بدون آنکه سخنش از آرایه‌های مناسب خالی بماند.<sup>۹۳</sup>

سعدی در گلستان ضمن عبارت‌های منثورش، شعر نیز می‌آورد که «همان مطلب را تأیید یا تکمیل می‌کند. و اگر آن شعر را از جایش بردارند و تنها بخوانند و یا در جای دیگر بگذارند معنی دیگری از آن می‌توان استنباط کرد.»<sup>۹۴</sup> تعداد زیادی از این اشعار در قالب قطعه<sup>۹۵</sup> سروده شده‌اند. این مطلب از این